

واکاوی زباهنگ مردسالاری و زنسالاری در فرهنگ ایرانی: مقایسه موردی فیلم‌های سینمای ایران در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۹۰

رضا پیش‌قدم^۱، علی درخشان^{۲*}، اعظم جنتی عطایی^۳

چکیده

پژوهش پیش‌رو بر آن است تا در بستر الگوی هایمز [۳۹] به بررسی زباهنگ «مردسالاری» و «زنسالاری» در فیلم‌های ایرانی بپردازد. این پژوهش از نوع کیفی و توصیفی بوده و درحقیقت انتخاب زباهنگ‌ها با هدف بررسی تفکرات و تغییر نگرش و دیدگاه فرهنگی جامعه ایرانی در دو دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۹۰ است. در همین زمینه، ۱۰۰ فیلم ایرانی که از نوع خانوادگی و اجتماعی و شامل ۵۰ فیلم دهه ۱۳۶۰ و ۵۰ فیلم دهه ۱۳۹۰ هستند از نظر گفتمانی و چگونگی به‌کاربردن گفت‌وگوهای نشان‌دهنده زباهنگ «مردسالاری» و «زنسالاری» بررسی شدند. حدود ۵۰۰ پاره‌گفتار از فیلم‌های سینمایی ایرانی دهه ۱۳۶۰ و ۵۰۰ پاره‌گفتار از فیلم‌های سینمایی دهه ۱۳۹۰ یادداشت و واکاوی شدند. مشخص شد که بیشترین بسامد زباهنگ مردسالاری در فیلم‌های ایرانی دهه ۱۳۹۰ به‌مورد تهدید، بزرگ‌بینی، عصبانیت، دستور، متلک‌گویی، امرونی، نیش‌وکنایه، پرخاش و تحقیر اختصاص یافته است و بیشترین بسامد زباهنگ «زنسالاری» در فیلم‌های ایرانی دهه ۱۳۹۰ شامل تعیین تکلیف کردن، غر زدن، تحقیرکردن، کنایه‌زدن، جلب توجه کردن، عصبانیت، شکایت و بزرگ‌بینی است. به نظر می‌رسد با توجه به تغییر و تحولات فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی در گذر زمان و پیشرفت چشمگیر فناوری در سراسر دنیا و تأثیر مستقیمی که این پیشرفت بر فرهنگ و نگرش جامعه ایرانی داشته است، طرز تفکر و نگرش جامعه دستخوش تغییراتی شده و دیدگاه افراد جامعه از تفکرات مردسالار به تفکرات زن‌سالار تغییر یافته است. درواقع، همان‌گونه که انتظار می‌رفت، می‌توان دهه ۱۳۶۰ را مصداق بارز تفکر مردسالارانه و دهه ۱۳۹۰ را مصداق بارز تفکر زن‌سالارانه برشمرد. در پایان، مجموعه‌ای از کاربردهای این زباهنگ، با عنوان هنجارهای گفتمان، بررسی و مشخص شدند.

کلیدواژگان

الگوی SPEAKING هایمز، زباهنگ، زنسالاری، فرهنگ، فرهنگ‌کاوی زبان، مردسالاری، فیلم‌های ایرانی.

۱. استاد آموزش زبان انگلیسی و روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد
pishghadam@um.ac.ir
 ۲. استادیار آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه گلستان (نویسنده مسئول)
a.derakhshan@gu.ac.ir
 ۳. کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی
jannati.az@gmail.com
- تاریخ دریافت: ۱۳۹۹، ۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹، ۲، ۲۷

مقدمه

فرهنگ و زیرمجموعه‌های آن از جمله عناصر مهم هویت ملی به‌شمار می‌روند که دربرگیرنده همه ارزش‌های فردی و اجتماعی هستند [۱۲]. یکی از راه‌های مؤثر آگاهی از جوامع خود و دیگری، آموختن زبان است، زیرا دانش زبانی به ما کمک می‌کند از دیدگاه دیگران با فرهنگ خود آگاه شویم و به شناخت بهتری از خود و دیگری برسیم [۱۴]. فرهنگ را به طرق مختلف تعریف کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به تعریف مرکز ملی توانش فرهنگی اشاره کرد. این مرکز، فرهنگ را این‌گونه تعریف می‌کند: فرهنگ الگوی درهم‌تنیده‌ای است از رفتار انسان که شامل افکار، ارتباطات، زبان، عادت‌ها، باورها، رسوم، ارزش‌ها، آداب احترام، تشریفات مذهبی، شیوه تعامل و نقش‌ها، روابط و رفتارهای موردانتظار از یک گروه نژادی، قومی، مذهبی یا اجتماعی و توانایی انتقال موارد ذکرشده به نسل‌های بعدی است [۳۲]. زبان یکی از نمودهای فرهنگ در نظر گرفته می‌شود و وسیله اصلی ارتباط بین فردی است و سبب ارتباط و تعامل میان افراد مختلف می‌شود. گویشوران از زبان به‌منزله ابزاری برای انتقال اندیشه‌ها، احساسات، مقاصد و خواسته‌های خود به دیگران استفاده می‌کنند [۲۷]. درواقع، زبان ابزاری است که فرد به‌وسیله آن با دیگران روابط نزدیک برقرار می‌کند و علاوه بر بیان ادراک یا آرای فرهنگی ما، روشی برای بیان احساسات و برقراری تعاملات با دیگران است [۲۸].

رابطه زبان و فرهنگ بسیار نزدیک و درعین حال بسیار پیچیده بوده و یکی از مسائل اصلی مورد توجه زبان‌شناسان از قرن نوزده تاکنون است. درحقیقت، ارتباط تنگاتنگ میان زبان و فرهنگ «فرهنگ در زبان» نشان‌دهنده همپوشانی وسیع بین آن‌هاست [۲۵؛ ۴۴؛ ۴۵؛ ۵۰؛ ۵۱]. با توجه به رابطه جدانشدنی این دو، امروزه محققان توجهی ویژه به مقوله فرهنگ دارند [۱۱؛ ۱۴؛ ۱۵؛ ۴۲؛ ۵۳]. درواقع، زبان اصلی‌ترین ابزار انتقال فرهنگ میان نسل‌های مختلف بشر است. پیش‌قدم [۳] با ایده گرفتن از عقاید هالیدی^۱ [۳۴]، ویگوتسکی^۲ [۵۷؛ ۵۸] و فرضیه نسبیت سپیر و رف^۳ [۵۲] — که ادعان داشتند زبان و فرهنگ دو بخش جدانشدنی از یکدیگرند — با ادغام دو واژه «زبان» و «فرهنگ» مفهوم «زبانگ» یعنی «فرهنگ در زبان» را در مطالعات جامعه‌شناختی زبان ارائه داد و علم واکاوی آن را «فرهنگ‌کاوی زبان» نامید. به نظر وی، زبانگ به مفاهیم فرهنگی برجسته سوار بر زبان اشاره دارد که واکاوی آن‌ها فهم فرهنگی افراد را افزایش می‌دهد. در این زمینه، در سال‌های اخیر مطالعاتی صورت گرفته که در آن به بررسی زبانگ‌های مختلفی در زبان فارسی پرداخته شده است که می‌توان به زبانگ نمی‌دانم [۶]، زبانگ دعا [۹]، زبانگ قسم [۵] و زبانگ لقب «حاجی» [۸] اشاره کرد.

1. Halliday

2. Vygotsky

3. Sapir and Whorf

با توجه به این امر که ارزش‌ها و باورهای فرهنگی هر جامعه را می‌توان از طریق بررسی زبان آن‌ها تبیین کرد، زیاهنگ‌های هر جامعه به‌منزله مهم‌ترین منابع اطلاعاتی قوی از فرهنگ آن محسوب می‌شوند که اطلاعات ارزشمندی را درباره فرهنگ در زبان فراهم می‌کنند و با بررسی آن‌ها می‌توان فرهنگ هر ملت را به تصویر کشید و با شناسایی ضعف‌ها و قدرت‌های آن در تغییر و تدبیر فرهنگی جامعه گام برداشت. کالبدشکافی زبان و استخراج زیاهنگ‌ها نیاز مبرمی به مطالعه فرهنگ نهان و زبان هر جامعه دارد [۱، ص ۲۸].

یکی از مقوله‌هایی که می‌توان با بهره از آن به زیرساختارهای فرهنگی هر جامعه دست یافت زیاهنگ‌های مردسالاری و زن‌سالاری است که در نوع ارتباط مردان و زنان، گاه پنهان و گاه آشکارا، نمود می‌یابد. با توجه به ساختارهای اجتماعی، قدرت همواره در دست مردان بوده و یکی از ابزارهای اجرای این قدرت استفاده از زبان است. مردان قدرت خویش را با قطع کلام زنان، تغییر موضوع مورد بحث، ندادن فرصت کافی برای ابراز نظر و امثال آن‌ها نشان می‌دهند [۱۳].

درواقع، ارتباط بین زبان و جنسیت موضوع مورد توجه بسیاری از پژوهشگران در زمینه‌های متعددی از قبیل زبان‌شناسی کاربردی، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی زبان، مردم‌شناسی، مطالعات فرهنگی، تحلیل مکالمه‌ای، مطالعات جنسیت، روان‌شناسی فمینیست، سبک‌شناسی و غیره بوده است [۴۷؛ ۵۴]. به عبارت دیگر، زبان‌شناسی جنسیت^۱، که از شاخه‌های مورد توجه در حوزه جامعه‌شناسی زبان است، به مطالعه تأثیر متغیر جنسیت بر ایجاد گوناگونی‌های زبانی می‌پردازد. از آنجا که بیشتر مفاهیم اجتماعی فرهنگی و از جمله مفهوم جنسیت مفاهیمی چندبعدی‌اند، برداشت‌های تک‌بعدی و مطلق از این مفاهیم به نوعی سطحی‌نگری، به‌ویژه در حوزه‌های پژوهشی، منجر می‌شود [۱۹]. مطالعات مردسالاری و مسائل جنسیتی مورد توجه محققان بسیاری قرار گرفته است [۲۶؛ ۳۳]. همچنین، جنسیت و نقش گفتمان جنسیت و روابط حاکم بین آن‌ها یکی از موضوعاتی است که در مرکز توجه رسانه‌ها، به‌خصوص رسانه سینما، قرار دارد [۱۷]. فیلم و صنعت سینما یکی از بخش‌های مهم حوزه فرهنگ عمومی است و مطالعه فیلم‌ها می‌تواند راهگشای درک سیاست‌های فرهنگی باشد. معنایی که تماشاگران از یک فیلم درک می‌کنند نشانه‌ای از گفتمان‌های مسلط است [۱۰].

پژوهش پیش رو بر آن است تا به بُعد فرهنگی فاصله قدرت به واکاوی زیاهنگ‌های مردسالاری و زن‌سالاری در بستر فیلم‌های ایرانی در دو دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۹۰ بپردازد. درواقع، همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، پژوهش‌های متعددی در زمینه بررسی فیلم صورت گرفته؛ اما با نگاهی به این پژوهش‌ها درمی‌یابیم که هیچ‌یک از آن‌ها به مقایسه «مردسالاری» و «زن‌سالاری» در بستر الگوی هایمز [۳۹] نپرداخته‌اند. از آنجا که نگارندگان بر این باورند که جو حاکم بر جامعه ایرانی در دهه ۱۳۶۰، در مقایسه با ۱۳۹۰، بیشتر نشان‌دهنده مردسالاری

بوده و تحولات فرهنگی صورت گرفته در این بازه زمانی به قوت گرفتن تفکرات زن‌سالاری در دهه ۱۳۹۰ منجر شده است، در پژوهش حاضر، سعی بر این است که به واکاوی زباهنگ «مردسالاری» و مقایسه آن با زباهنگ «زن‌سالاری» در گذر زمان در فرهنگ ایرانی بپردازیم.

پیشینه پژوهش

هافستد^۱ درباره ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و ابعاد آن در میان افراد کشورهای مختلف، مطالعات گسترده‌ای انجام داده و معتقد است افراد برنامه‌های ذهنی متفاوتی دارند که در اوایل دوره کودکی در نهاد خانواده به وجود می‌آید و در مدارس و سازمان‌های مختلف تقویت می‌شود. این برنامه‌های ذهنی حاوی مؤلفه فرهنگی ملی است و به‌وضوح در ارزش‌های متفاوتی که در میان افراد کشورهای مختلف وجود دارد مشاهده می‌شوند [۲۳]. بر این اساس، هافستد با در نظر گرفتن نقش و تأثیر تفاوت‌های فرهنگی جوامع، در سطح ملی دسته‌بندی‌های متفاوتی برای عوامل ارزشی فرهنگی مطرح کرده و آن‌ها را «ابعاد فرهنگی» نامیده است [۱]. هافستد [۳۵] چهار بُعد ارزشی فرهنگی را مشخص کرد که عبارت‌اند از: فاصله قدرت، اجتناب از عدم اطمینان، فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی و مردنگری در مقابل زن‌نگری. به نظر وی، چگونگی برخورد جوامع با نابرابری‌ها موجب تفاوت آن‌ها با یکدیگر می‌شود. قدرت برخی از افراد در جامعه از دیگران زیادتر است و می‌توانند رفتار بقیه را جهت‌دهی کنند، برخی ثروت بیشتری دارند و تعدادی دیگر از نظر موقعیت اجتماعی جایگاهی بالاتر از دیگران دارند [۳۶]. در همین زمینه، هافستد [۳۷] شش بُعد فرهنگی فاصله قدرت، اجتناب از عدم اطمینان، فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی، مردنگری در مقابل زن‌نگری، جهت‌گیری‌های بلندمدت در مقابل جهت‌گیری‌های کوتاه‌مدت و سهل‌گیری در مقابل سخت‌گیری را معرفی کرده است [۱].

نظریه «تسلط» در سال ۱۹۷۵ با انتشار کتاب *زبان و جنسیت: تفاوت و تسلط* از تورون و هنلی^۲ و کتاب *زبان مردساخته* در سال ۱۹۸۰ از اسپندر^۳ مطرح شد. این دو کتاب اثرگذار کانون توجه را از زنان به‌منزله افراد با نقیصه زبانی به این سمت تغییر داد که مردان افرادی مسلط و کنترل‌کننده در تعاملات با زنان و زبان‌اند. در پژوهش‌های انجام‌شده در سطح وسیع، داده‌ها به جای اتکا به شم زبانی و افراد مؤنث و مذکر آرمانی، از گویش‌وران واقعی به دست آمده است. در فرایندی که در این پژوهش‌ها به انجام رسید، برخی از ویژگی‌های زبانی با روشی متفاوت در بافتی واقعی و محیط تعاملی مختلط در نظر گرفته شد. کارهایی که در چارچوب این نظریه به انجام رسید از این نظر مفید بود که به گویش‌وران واقعی توجه داشت و بر این

1. Hofstede
2. Thorne and Henely
3. Spender

نکته تأکید می‌کرد که چگونه راهکارهای گفتمان در جهت کنترل تعاملات مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند.

در پژوهش‌های متعددی به مسئله قدرت و ارتباط آن با زبان پرداخته شده است که از آن جمله می‌توان به تحقیق اروین تریپ^۱ [۳۱] اشاره کرد که در آن مطالعه‌ای را روی نظام خطاب در انگلیسی امریکایی طبق شیوه جدیدی انجام داد. وی با استفاده از دستورالعملی رایانه‌ای و بررسی گفتار جامعه علمی امریکاییان نشان داد که صورت‌های خطاب در حقیقت مجموعه‌ای از امکانات خطابی‌اند که گوینده به‌هنگام مخاطب قرار دادن طرف مقابل، صورت مناسب با شرایط وی را از میان آن‌ها برمی‌گزیند. مدلی که تریپ ارائه داد در واقع مدلی منطقی و برگرفته از فرایندهای فکری بود که در ذهن افراد هنگام خطاب فرد مقابل انجام می‌گیرد.

در همین زمینه، قوامی [۱۶] به بررسی فیلم سینمایی *ساعت‌ها* و نسخه دوبله‌شده آن به زبان فارسی با در نظر گرفتن مؤلفه جنسیت در قالب تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته است. وی به این نتیجه رسیده است که زنان در نسخه اصلی فیلم و نسخه دوبله‌شده حالت‌های مردستیزی را از خود بروز داده‌اند؛ اما در نسخه دوبله‌شده این حالت‌های مردستیزی آن‌ها تقویت شده بود. در هر دو نسخه، گفتمان مردان با قدرت همراه بوده است؛ اما در نسخه دوبله‌شده گفتمان مردان در مقایسه با نسخه اصلی تا حدودی لطیف‌تر نشان داده شده بود.

در مورد پیوند زبان و فرهنگ، پیش‌قدم، فیروزیان‌پور اصفهانی و طباطبایی فارانی [۷] در پرتو الگوی هیجامد و با استفاده از الگوی هایمز [۳۹] به واکاوی قطعه زبانی «ناز کردن» و ترکیب‌های حاصل از آن در زبان فارسی پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که قطعه زبانی «ناز کردن» و ترکیب‌های حاصل از آن پیوسته در فرهنگ سنتی و جمع‌گرایی ایرانی جاری است و واژگان مرتبط با آن گستردگی بیشتری دارند. تعدد کاربرد این زبانهنگ بر پایه رویکردهای مبتنی بر هیجان‌ناحاک از آن است که مردم ایران به این مفهوم درجه بالایی از احساس عاطفی دارند و از این‌رو، سطح هیجامد آنان از این زبانهنگ در میزان بالایی قرار دارد. پیش‌قدم و عطاران [۵] در تحقیقی با عنوان *نگاهی جامعه‌شناختی به کنش گفتاری قسم*، کاربردهای کنش گفتاری «قسم» را در دو زبان فارسی و انگلیسی باهم مقایسه کرده‌اند. آن‌ها ۱۰۰ فیلم را، که شامل ۵۰ فیلم فارسی و ۵۰ فیلم انگلیسی بود، بررسی کردند. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده استفاده از قسم در فضاهای ناباوری و نبود اطمینان در جامعه است. کاربردهای این کنش گفتاری در زبان فارسی ۱۷ مورد و در زبان انگلیسی ۶ مورد است. این در حالی است که مراجع قسم در زبان فارسی متنوع‌تر و متفاوت‌تر از زبان انگلیسی است.

با نگاهی به بررسی‌های انجام‌شده درمی‌یابیم که مطالعه‌ای که در آن به واکاوی زبانهنگ‌های «مردسالاری» و «زن‌سالاری» به‌طور اختصاصی پرداخته شود صورت نگرفته است. از این‌رو، در

1. Ervin-Tripp

پژوهش پیش‌رو، سعی بر آن است که به این مسئله پرداخته شود و زیاهنگ‌های «مردسالاری» و «زن‌سالاری» بر اساس الگوی هایمز [۳۹] واکاوی شود.

روش‌شناسی

داده‌ها

در پژوهش حاضر، به‌منظور بررسی جنبه‌هایی از فرهنگ مردم ایران، پاره‌گفتارهای مربوط به زیاهنگ «مردسالاری» در پیکره فیلم‌های سینمایی ایرانی بررسی و مطالعه شدند. به نظر محمدی مهر و بیچرانلو [۲۰] سینما از رسانه‌های نافذ بازنمایی فرهنگ است و می‌توان از این طریق داشته‌های فرهنگی هر نسل را به نسل دیگر منتقل کرد. در واقع، «سینما پیش از اینکه صنعت یا هنر باشد، فرهنگ است» [۲۱، ص ۲۳۰]. همان‌گونه که واضح است، فیلم‌ها از جمله منابعی‌اند که به‌طور بسیار ملموس، فرهنگ و نگرش افراد هر جامعه را به تصویر می‌کشند. به همین منظور، تعداد ۱۰۰ فیلم ایرانی که خود دربرگیرنده ۵۰ فیلم ایرانی دهه ۱۳۶۰ و ۵۰ فیلم ایرانی دهه ۱۳۹۰ بودند، بررسی شدند. دلیل انتخاب این دو دهه این بود که نگارندگان قصد داشتند به واکاوی فرهنگ دوران معاصر بپردازند و این دوران را از نظر نمودها و تفاوت‌های گفتمانی جنسیت با دوران قبل از خود مقایسه کنند. از آنجا که هرچه فاصله زمانی بین این دو دوره بیشتر باشد احتمال مشاهده تفاوت‌های بارزتری وجود دارد و به این دلیل که پیش از دهه ۱۳۶۰، یعنی دهه‌های ۱۳۴۰ یا ۱۳۵۰ یا پیش از آن، به دلیل حاکمیت کاملاً متفاوت نظام فرهنگی بر جامعه شرایط یکسانی از نظر مقایسه‌ای ایجاد نمی‌شد، در پژوهش حاضر دو دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۹۰ بررسی شدند تا هم بافت فرهنگی نسبتاً یکپارچه‌ای در دست داشته باشیم و هم فاصله معقول و منطقی بین دو دوره تاریخی وجود داشته باشد. تعداد ۵۰۰ پاره‌گفتار از فیلم‌های سینمایی دهه ۱۳۶۰ و ۵۰۰ پاره‌گفتار از فیلم‌های سینمایی دهه ۱۳۹۰ جمع‌آوری و بررسی شدند. در دهه ۱۳۶۰ میزان ۲۶۵ پاره‌گفتار از سوی گویشوران مرد و ۲۳۵ پاره‌گفتار از سوی گویشوران زن استفاده شده است. از این تعداد، در دهه ۱۳۹۰، گویشوران مرد حدود ۲۷۵ پاره‌گفتار و گویشوران زن ۲۲۵ پاره‌گفتار را به‌کار بردند. از نظر ژانر، این فیلم‌ها خانوادگی و اجتماعی بودند. پاره‌گفتارهایی از میان مکالمات ردوبدل شده میان افرادی که رابطه نزدیک خانوادگی دارند، مانند برادر و خواهر، عمو و برادرزاده، و زن و شوهر یادداشت و بررسی شد. گفتنی آنکه بیشترین مکالمات بررسی شده میان زوجها ردوبدل شده است. از این میان، مکالماتی که حاوی جملات زن‌سالارانه بودند یادداشت و به‌منزله داده‌های پژوهش ثبت شدند. داده‌های پژوهش حاضر پس از جمع‌آوری روی کاغذ نگاشته شدند و جملاتی که حاوی گزاره‌های مربوط به زیاهنگ موردنظر بود، استخراج و براساس الگوی هایمز [۳۹] بررسی شدند.

این گزاره‌ها را دو استاد دانشگاه گرایش زبان‌شناسی کاربردی و یک دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی بررسی کردند و پایایی بین ارزیابان ۰/۹۷ بود.

چارچوب نظری

براساس الگوی هایمز [۳۹]، عوامل مؤثر بر تعاملات میان افراد را می‌توان به هشت گروه طبقه‌بندی کرد که عبارت‌اند از: موقعیت و صحنه، شرکت‌کنندگان، هدف، ترتیب عملکرد، لحن، ابزار گفتمان، هنجارهای گفتمان و نوع گفتمان. هشت گروه تشکیل‌دهنده الگوی هایمز [۳۹] به صورت ذیل تعریف شده‌اند:

۱-۲. موقعیت و صحنه^۱: به زمان و مکانی که گفتمان در آن شکل می‌گیرد و به‌طور کلی به موقعیت فیزیکی هر گفتمان اشاره دارد [۴۱]. موقعیت و صحنه را با توجه به شرایط حاکم بر گفتمان می‌توان به دسته‌های عمومی، رسمی و خصوصی و غیررسمی تقسیم کرد [۹].

۲-۲. شرکت‌کنندگان^۲: شرکت‌کنندگان گویندگان و شنوندگان حاضر در گفتمان‌اند که می‌توانند به‌طور مستقیم مورد خطاب قرار بگیرند یا به‌طور غیرمستقیم و فقط شنونده گفت‌وگوی افراد دیگر باشند. همه گویندگان حاضر در گفتمان طبق اصول و قواعد مشخصی صحبت می‌کند [۴۱].

با در نظر گرفتن وضعیت قدرت و فاصله، افراد شرکت‌کننده در هر گفتمان می‌توانند نسبت به یکدیگر در چهار وضعیت مختلف قرار گیرند:

الف) هم‌تراز و رسمی (دو کارمند)؛

ب) هم‌تراز و صمیمی (دو خواهر)؛

ج) نابرابر و رسمی (رئیس و کارمند)؛

د) نابرابر و صمیمی (پدرشوهر و عروس) [۶].

۳-۲. هدف^۳: هدف نشان‌دهنده مقصود، خواسته و نتیجه گفتمان است. هریک از شرکت‌کنندگان در گفت‌وگو می‌توانند اهداف متفاوتی داشته باشند. شباهت‌ها و تفاوت‌های هدف برای برقراری ارتباط موفق و همچنین کسب پذیرش در فرهنگ هر جامعه بسیار بااهمیت است [۴۱].

۴-۲. ترتیب عملکرد^۴: ترتیب عملکرد نشان‌دهنده توالی صورت‌گرفته در کنش گفتار است که در مجموع رخداد را شکل می‌دهند. ترتیب و توالی هر کنش گفتار می‌تواند بر گفتمان تأثیر بگذارد [۴۱].

-
1. setting
 2. participants
 3. end
 4. act sequence

- ۵-۲. لحن^۱: درحقیقت، لحن به نحوه، حالت و روح هر گفتمان اشاره دارد. عموماً افراد در موقعیت‌های مختلف، لحن‌های متفاوتی را به کار می‌برند. لحن می‌تواند به دو صورت رسمی و غیررسمی به کار رود [۴۱].
- ۶-۲. ابزار گفتمان^۲: ابزار گفتمان روشی است که با استفاده از آن گفتمان صورت می‌پذیرد. ابزار شامل روش ایجاد ارتباط (نوشتن، صحبت کردن و علامت‌دادن)، زبان، گویش و سبک گفتار است [۴۱].
- ۷-۲. هنجارهای گفتمان^۳: به قوانین اجتماعی حاکم بر هر رخداد فرهنگی و رفتارها و عکس‌العمل‌های شرکت‌کنندگان اشاره دارد. هنجارهای هر جامعه می‌تواند باهم متفاوت و مخصوص همان جامعه باشد [۴۱].
- ۸-۲. نوع گفتمان^۴: انواع و ویژگی‌های تشکیل‌دهنده هر گفتمان است که می‌تواند انواعی از قبیل داستان، لطیفه و مکالمه داشته باشد [۴۱].

یافته‌ها و بحث

در این بخش، با استفاده از الگوی هایمز [۳۹] به واکاوی فیلم‌های ایرانی می‌پردازیم و آن‌ها را از منظر زیاهنگ مردسالاری و زن‌سالاری و نیز از نظر موقعیت و صحنه، شرکت‌کنندگان، اهداف، ترتیب عملکرد، لحن، ابزار گفتمان، هنجارهای گفتمان و نوع گفتمان بررسی می‌کنیم تا از این طریق بتوانیم تا اندازه‌ای به تفکرات و باور مردم ایران دست یابیم. نظریه‌پردازان فمینیسم معتقدند زنان و مردان معمولاً به‌طور مجزا و متمایز تربیت می‌شوند و به همین دلیل شیوه‌های متفاوتی از زندگی ارتباطی و تجربی را شکل می‌دهند [۲۵، ص ۲۲۴].

لیکاف^۵ [۴۳] معتقد است که زنان نسبت به مردان اطمینان کمتری دارند و درمورد اثبات هر چیزی که قویاً صورت می‌گیرد احساس بی‌قراری و ناآرامی دارند. به نظر وی، زبانی که زنان به کار می‌برند عدم قدرت و جایگاه پایین‌تر آن‌ها را در همه حوزه‌های تعامل منعکس می‌کند و استمرار می‌بخشد. نظریه تسلط نیز مردان را افراد مسلط و کنترل‌کننده در تعاملات با زنان برمی‌شمارد. همان‌طور که از شواهد برمی‌آید بیشتر نقدها علیه زنان است و از نظر آن‌ها زن‌ها گفتمان عاری از قدرت را از خود نشان می‌دهند. این‌گونه نقدها مردان را عضو مسلط در گفتمان میان زنان و مردان در نظر می‌گیرد. گفتنی آنکه بسیاری از مکالمات صورت گرفته به دلیل نداشتن مشخصه‌های گفتاری و اینکه تنها بافت نوشتاری در اختیار مخاطب قرار گرفته

1. key
2. instruments
3. norms
4. genre
5. Lakoff

است و از آنجا که در نوشتار لحن گوینده مشخص نیست، ممکن است به‌طور دقیق و ملموس نشان‌دهنده بار عاطفی موردنظر گوینده نباشد.

۱. **موقعیت و صحنه:** موقعیت زمانی و مکانی که در پژوهش حاضر بررسی شده شامل پاره‌گفتارهای برگرفته از فیلم‌های سینمایی ایرانی است. از نظر موقعیت، فیلم‌های ایرانی دهه ۱۳۶۰ و دهه ۱۳۹۰ بررسی شدند. از مجموع حدود هزار پاره‌گفتار که از واکاوی فیلم‌های سینمایی ایرانی جمع‌آوری شده است، غالب مکالمات در بافت هم‌تراز و صمیمی (برادر و خواهر، عمو و برادرزاده و...) و میان زوج‌ها (زن و شوهر) ردوبدل شده است. گفتنی است بیشترین مکالمات میان زن و شوهر رخ داده است. در این بخش، به واکاوی زبانهنگ «مردسالاری» در فیلم‌های سینمایی دهه ۱۳۶۰ و زبانهنگ «زن‌سالاری» در فیلم‌های سینمایی دهه ۱۳۹۰ می‌پردازیم.

۱-۱. **موقعیت هم‌تراز و صمیمی:** فیلم سینمایی *در آرزوی ازدواج* (۱۳۶۹):

زن: برای چی صدام کردی؟

شوهر: بیا بشین می‌خوام دو کلمه باهات حرف بزنم.

زن: دستم بنده.

شوهر: حالا آشپزخونه رو ول کن این کار مهم‌تره بیا بشین (با حالت تحکمی).

۲-۱. **موقعیت نابرابر و صمیمی:** فیلم سینمایی *روز باشکوه* (۱۳۶۷) (گفت‌وگو در کوچه

اتفاق افتاده است):

برادرزاده: سلام خان‌عمو، چشمتون روشن.

عمو: راجع به چی؟

برادرزاده: عروسی صبح جمعه دیگه.

عمو: کی به شما گفت؟

برادرزاده: الان خاتون گفت.

عمو: ای بابا! وقتی به زن چیزی رو بفهمه، مثل اینکه تمام شهر فهمیده‌ها!

۲. **موقعیت و صحنه:** در بخش حاضر، به واکاوی زبانهنگ «زن‌سالاری» در فیلم‌های

سینمایی دهه ۱۳۹۰ می‌پردازیم و داده‌های برگرفته از این فیلم‌ها را در بستر الگوی هایمز واکاوی می‌کنیم.

۱-۲. **موقعیت هم‌تراز و صمیمی:** فیلم سینمایی *قسم* (۱۳۹۷):

شوهر: تصمیمت رو گرفتی؟ گرفتی یا نه؟

زن: آره، خیلی وقته.

شوهر: پس دیگه خونه برنگرد.

زن: خسرو!

شوهر: گفتم خونه برنگرد. اگه قصاص بخوای، بچه رو ازت می‌گیرم، طلاق می‌دم.

۳. شرکت‌کنندگان: از آنجا که پاره‌گفتارهای بررسی‌شده بیشتر از میان مکالمات زوجها ثبت شده است، رابطه شرکت‌کنندگان از نوع هم‌تراز و برابر محسوب می‌شود.

۳-۱. موقعیت هم‌تراز و صمیمی: فیلم سینمایی *چون باد* (۱۳۶۵):

زن: چرا با بچه این‌جوری حرف می‌زنی؟ خوبه داره حرص آقات رو می‌خوره.

شوهر: اصلاً نمی‌خوام حرفی از آقام زده شه. تو کله‌تون رفت؟

۴. شرکت‌کنندگان

۴-۱. موقعیت هم‌تراز و رسمی: فیلم سینمایی *جشن دلتنگی* (۱۳۹۶):

مرد: حال خوب نیست. حوصله‌ خونه رفتن ندارم. می‌خوام با یکی حرف بزنم.

زن (دوست اینترنتی): خب حرف بزن. مرد: از عکس‌ها ت خیلی بهتری.

زن (دوست اینترنتی): مرسی. ولی تو به همون داغونی‌ای.

مرد: شایدم داغون‌تر.

۴-۲. موقعیت نابرابر و رسمی: فیلم سینمایی *رگ خواب* (۱۳۹۴):

مرد: من همین اولش ازتون عذرخواهی می‌کنم که اینجا دعوتتون کردم. شما کجا و به

همچین بیغوله‌ای کجا! من از اینجا دارم به‌عنوان انباری استفاده می‌کنم. بفرمایید. بفرمایید.

زن: نه. خواهش می‌کنم.

۵. هدف: واکاوی پاره‌گفتارهای مطالعه‌شده در این فیلم‌ها نشان می‌دهد که می‌توان اهداف و کاربردهای متعددی برای زبانهنگ «مردسالاری» در نظر گرفت.

۵-۱. غرزدن: فیلم سینمایی *مردی که موش شد* (۱۳۶۴):

زن: این دفعه دیگه از اون دفعه‌ها نیست. می‌رم و پشت سرم رو نگاه نمی‌کنم.

شوهر: بفرما، راه باز و جاده دراز. جونم به لبم رسید از بس چمدون بستی و قهر کردی. برو

لااقل از شر تو یکی راحت بشم. ببینم با بدبختی‌های دیگه‌م می‌تونم چی کار بکنم (قطع کلام

زن توسط شوهر).

۵-۲. تهدید کردن: فیلم سینمایی *روز باشکوه* (۱۳۶۷):

خواهر: شما از کجا می‌دونین اون‌ها از دست یحیی ناراحتان؟

برادر: می‌ری خونه یا با لقد بزنمت، ها؟

۵-۳. فریاد زدن: فیلم سینمایی *عروس* (۱۳۶۹):

زن: نباید فرار کنی. تو نباید فرار می‌کردی.

شوهر: خفه شو.

زن: تو نباید فرار می‌کردی.

شوهر: که بگیریم؟ که ببریم زندان؟ همین رو می‌خوای؟

- زن: (ماشین رو) نگه دار، تو دیوونه‌ای.
شوهر: خفه شو (به صورت زن سیلی می‌زند).
- ۴-۵. متلک‌گویی: فیلم سینمایی عشق و مرگ (۱۳۶۹):
زن: حالا دیگه به جای من از کُلقت دفاع می‌کنی!
شوهر: حالا دیدی شازده خانم با اصل و نسب! پرنسس مسگرآباد! باز هم حماقت و شلختگی خودت رو بنداز گردن دیگران.
- ۵-۵. امرونهی کردن: فیلم سینمایی تمام وسوسه‌های زمین (۱۳۶۸):
شوهر: ماه بانو تو باید بری کمک.
زن: من طبیب نیستم.
شوهر: نگفتم هستی. گفتم برو کمک مریض‌ها زیادن. ضمناً این لباست رو هم عوض کن.
- ۶-۵. بزرگ‌بینی و فخرفروشی: فیلم سینمایی شکوه زندگی (۱۳۶۵):
زن: ببین تو خودت دختر داری. اگه ده سال دیگه به سلامتی یکی بیاد خواستگاری نسرين.
اگه یارو بیکار باشه، بهش دختر می‌دی؟ راستش رو بگو؟
شوهر: اگه به آقایی خودم باشه، می‌دم.
- ۷-۵. سرکوفت‌زدن: فیلم سینمایی تماس (۱۳۶۸):
شوهر: پسر همسایه مون باید دکتر بشه، اون وقت پسر من.
زن: عرضه باباش بوده.
شوهر: باباش! هه‌هه! حواست کجاست زن؟ باباش که مریض تو بیمارستان بود. لیاقت مادرش بوده.
- ۸-۵. پرخاش کردن: فیلم سینمایی تماس (۱۳۶۸):
شوهر: بابک.
زن: چی کارش داری؟
شوهر: تو دخالت نکن (با پرخاش).
- ۹-۵. دست کم گرفتن: فیلم سینمایی طعیان (۱۳۶۴):
زن: زودتر بیا که همه از تهرون رسیدن. اگه دیر برسی، همه سوغاتی‌ها غارت شده‌ها.
شوهر: زن، بعد از یه مدتی یه مشتری رسیده حالا تو ول کن نیستی. همه اون‌هایی که ریختن اون تو خیال می‌کنن امیر تیمور خان واسه شون یه جرثقیل سوغات آورده. واقعاً که ساده‌ای زن، خیلی ساده‌ای (با لحن تحقیرآمیز).
- ۱۰-۵. زورگویی: فیلم سینمایی مدرک جرم (۱۳۶۴):
زن: برادرم آدم خلاف‌کاری نیست. حالا می‌گی چی؟ بیرونش کنم؟ اومده دیگه.
شوهر: من نمی‌دونم. فقط می‌تونم بگم خوش ندارم یه همچین آدمی تو خونم بمونه.

همین و بس. تو هم آگه روت نمی‌شه، من خودم بهش می‌گم.
در این بخش، در جدول شماره ۱ اهداف پربسامد زباهنگ «مردسالاری» در فیلم‌های ایرانی دهه ۱۳۶۰ نمایش داده می‌شود.

جدول ۱. اهداف پربسامد زباهنگ «مردسالاری» در فیلم‌های ایرانی دهه ۱۳۶۰

غرزدن	دست‌کم گرفتن
تهدیدکردن	بزرگ‌بینی و فخرفروشی
فریادزدن	سرکوفت‌زدن
زورگویی	امرونی کردن
متلک‌گویی	پرخاش کردن

۶. هدف: نمونه‌های پربسامد زباهنگ «زن‌سالاری» بدین شرح است:

۱-۶. تعیین تکلیف کردن: فیلم سینمایی بهشت گمشده (۱۳۹۷):

زن: قبلاً بهت گفته بودم که بچه نمی‌خوام، اما تو هی امروز و فردا کردی.
شوهر: خیلی خب، می‌رم نرگس رو می‌آرم تمومش کنه (شوهر با دلسوزی برای سقط جنین، تسلیم می‌شود).

۲-۶. غرزدن: فیلم سینمایی کلوپ همسران (۱۳۹۷):

زن: این چیه درست کردی؟

شوهر: ماکارونیه دیگه!

زن: من این آشغال رو نمی‌خورم. پیتزا سبزیجات می‌خورم.
شوهر: آخه پیتزا عزیز من پنیر داره، برا رژیم شما خوب نیست.

۳-۶. تحقیر کردن: فیلم سینمایی روسی (۱۳۹۶):

شوهر: مرجان گوش کن چی دارم بهت می‌گم.

زن: تو چرا این قدر آدم بدبختی هستی؟ مگه تو مرد نیستی؟ چرا بهت بر نمی‌خوره؟ حاله
ازت به هم می‌خوره. ازت متنفرم. این رو بفهم.
شوهر: (سکوت می‌کند).

۴-۶. کنایه‌زدن: فیلم سینمایی جشن دل‌تنگی (۱۳۹۶):

شوهر: همین می‌ترسوئتم.

زن: تو از همه چی می‌ترسی بابا! (با طعنه‌زدن).

۵-۶. جلب توجه کردن: فیلم سینمایی انارهای نارس (۱۳۹۲):

زن: نمی‌دونم از صبح این پلک چشمم همش می‌پره!

شوهر: جون ذبیح؟ می‌دونی معنی‌ش چیه؟

زن: نه.

شوهر: رسیدن مسافر. بیمه تکمیلی م که درست بشه، می‌برمت پیش یه دکتر خوب.
۶-۶. عصبانیت: فیلم سینمایی *باران تابستانی* (۱۳۹۵):

شوهر: چی شده؟

زن: چیزی نشده آقای جهانگیر معصومی. اولاً تلفنت رو که اصلاً جواب نمی‌دی. بعدش هم تو رفتی به آملاکیه گفتی بیاد به من بگه خونه اجاره رفته؟

شوهر: من گفتم؟

زن: داشتیم؟ این رسمش بود؟

شوهر: آروم باش. بابا آروم باش.

۷-۶. گله‌کردن: فیلم سینمایی *رگ خواب* (۱۳۹۵):

شوهر: مینا جون، ساندویچ بخور.

زن: (پاسخ نمی‌دهد، گریه می‌کند).

شوهر: مینا جون، معذرت می‌خوام.

زن: می‌گم دندونم درد می‌کنه من رو اذیت می‌کنی.

شوهر: غلط کردم. ببخشید. به خدا داشتم باهات شوخی می‌کردم. بمیرم! راست می‌گی، دندونت درد می‌کنه. مینا جون، من معذرت می‌خوام. ببخشید. من حماقت کردم. نفهمیدم. غلط کردم. خودم فردا می‌برمت دندون پزشکی. مگه من می‌ذارم تو درد بکشی!

۸-۶. مظلوم‌نمایی کردن: فیلم سینمایی *رگ خواب* (۱۳۹۵):

زن: حتماً باید مثل جنازه بشم تا مهربون شی؟ وقتی از نفس می‌افتم، وقتی داغونم می‌کنی حالت خوب می‌شه؟ خوشحال باش. درب و داغونم. دلم می‌خواد بمیرم.

شوهر: مینا! من دیگه غلط می‌کنم اذیت کنم. تو نباید اذیت بشی. تو خیلی خوبی. خیلی لطیفی. مثل گل می‌مونی. اصلاً مگه بهتر از تو هست؟

۹-۶. بزرگ‌بینی: فیلم سینمایی *ما همه گناهکاریم* (۱۳۹۸):

زن: می‌خرمت. یه خر خوب. از این خر خوب‌ها بامزه‌ها. می‌خرمت واسه خودم.

مرد: یعنی چی؟

زن: صد میلیون نمی‌ارزی‌ها! ولی من خرم. از این پول‌ها می‌دم. چی کار کنم برات؟ چی حالت رو خوب می‌کنه؟

مرد: تو بُردی. از این به بعد، هر کاری که تو بخوای. هر کاری که تو بگی.

در این بخش در جدول شماره ۲ اهداف پربسامد زبانهنگ «زن‌سالاری» در فیلم‌های ایرانی دهه ۱۳۹۰ نمایش داده می‌شود.

جدول ۲. اهداف پربسامد زبانهنگ «زن سالاری» در فیلم‌های سینمایی دهه ۱۳۹۰

مظلوم‌نمایی کردن	تعیین تکلیف کردن
بزرگ‌بینی	غر زدن
گله کردن	تحقیر کردن
عصبانیت	کنایه زدن
	جلب توجه کردن

۷. ترتیب عملکرد

۷-۱. فیلم سینمایی گالان (۱۳۶۹):

(حرف زدن با حالت غمگین)

زن: من همه‌چیز رو می‌دونم. (حرف زدن با لحن جدی)

شوهر: چی رو می‌دونی؟ (حرف زدن با تضرع)

زن: مربی ت همه‌چیز رو گفت. دکترا هم تأیید کرد. تو نباید سوار شی.

(شوهر کلام زن را قطع می‌کند) شوهر: دست وردار زن! ماجرا رو تموم کن. اون وقتی که

تو باید به فکر بودی سال‌ها قبل بود.

۷-۲. (سؤال پرسیدن)

خواهر: شما از کجا می‌دونین اون‌ها از دست یحیی ناراحتان؟

(پاسخ‌دادن با تهدید) برادر: می‌ری خونه یا با لقد بزنمت! ها!

(حرف زدن با ناراحتی) خواهر: حرف حق می‌زنم تو چرا ناراحت می‌شی؟

(پاسخ دادن با حالت عصبانی) برادر: ببین یه ذره دختر چقدر پرووئه‌ها.

۸. ترتیب عملکرد: همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، ترتیب عملکرد نشان‌دهنده توالی

کنش گفتار است که هر رخداد را شکل می‌دهند. ترتیب و توالی هر کنش گفتار بر گفتمان اثر

می‌گذارد [۳۹].

۸-۱. موقعیت: صحبت زن و شوهر سر یک ساختمان نیمه‌کاره

فیلم سینمایی نفس‌های آرام (۱۳۹۵):

(شروع کردن گفت‌وگو با حالت پرسشی) زن: چه عجب! ما خنده شما رو هم دیدیم. چی

شده؟ خیلی سرحالی!

(جواب‌دادن با حالت خوشحالی) شوهر: امروز روزیه که به تو گفتم، حذر از عشق ندانم!

سفر از پیش تو هرگز نتوانم!

(قطع کردن کلام شوهر توسط زن) زن: این پرت‌وپلاها چیه داری می‌گی؟

۹. لحن: لحن‌های مختلفی در هنگام به‌کاربردن زبانهنگ «مردسالاری» استفاده می‌شوند که

بدین شرح‌اند:

۹-۱. نفرین‌آمیز: فیلم سینمایی مردی که موش شد (۱۳۶۴):

زن: می‌رم. یک ثانیه دیگه هم با تو زندگی نمی‌کنم.
شوهر: برو که دیگه برنگردی.

۲-۹. تهدیدآمیز: فیلم سینمایی /بلیس (۱۳۶۹):

زن: چی شده؟ چرا دنبال بهونه می‌گردی؟ دیگه ذله شدم.
شوهر: می‌گشمت. می‌گشمت. می‌آی یا نه؟ گفتم . می‌آی یا نه؟

۳-۹. آمرانه و تحکمی: فیلم سینمایی /بلیس (۱۳۶۹):

زن: سعید چرا حالی ت نیست؟ نمی‌تونم بیام. تا حالا هرچی ازم خواستی انجام دادم.
زندگی م رو حراج کردی هیچی نگفتم.

شوهر: تو باید اون جووری که من می‌خوام زندگی کنی.

۴-۹. توهین آمیز: فیلم سینمایی عشق و مرگ (۱۳۶۹):

زن: حالا طرفدار این‌ها شدی؟ واسه من رول بازی می‌کنی؟ تو اگه مرد بودی رفیق‌هات رو
لو نمی‌دادی.

شوهر: خفه شو پدرسگ! تو با اون بابای بی‌شرفیت.

۵-۹. متکبرانه: فیلم سینمایی شکوه زندگی (۱۳۶۵):

زن: اگه یکی بیاد خواستگاری نسرین، اگه یارو بیکار باشه تو بهش دختر می‌دی؟ راستش
رو بگو؟

شوهر: اگه به آقایی خودم باشه می‌دم.

۶-۹. اعتراض آمیز و گلایه آمیز: فیلم سینمایی بهار در پاییز (۱۳۶۶):

زن: اگه این دفعه تلفن کرد چی بگیم؟

شوهر: تو رو حضرت عباس ولم کن. تو رو قرآن ولم کن. این قدر سربه سرم نذار.

۷-۹. اغراق آمیز: فیلم سینمایی /بلیس (۱۳۶۹):

زن: دستم (با ناله)...

شوهر: همه تون رو می‌گشتم. چیه؟ درد داره؟ تیر می‌کشه؟ بکش. لذت می‌برم.

در این بخش در جدول شماره ۳ لحن‌های به‌کاررفته در زبانهنگ «مردسالاری» در فیلم‌های
ایرانی دهه ۱۳۶۰ نمایش داده می‌شود.

جدول ۳. لحن‌های زبانهنگ «مردسالاری» در فیلم‌های سینمایی دهه ۱۳۶۰

متکبرانه	توهین آمیز
اغراق آمیز	نفرین آمیز
اعتراض آمیز و گلایه آمیز	تهدیدآمیز
	آمرانه و تحکمی

۱۰. لحن: لحن‌های مختلفی که در هنگام بیان پاره‌گفتارهای حاوی زبانه‌نگ «زن‌سالاری» در فیلم‌های سینمایی دهه ۱۳۹۰، به کار می‌رود بدین شرح است:
۱-۱۰. عصبانی: فیلم سینمایی *چهارراه استانبول* (۱۳۹۶):
زن: خودت رو راحت کردی، من اینجا مُردم از استرس (با عصبانیت شکایت می‌کند).
شوهر: خب وا نمی‌کردی، قربونت برم. اگه پول جور بشه از کنار تو و دخترم تکون نمی‌خورم.
۲-۱۰. نگران: فیلم سینمایی *چهارراه استانبول* (۱۳۹۶):
شوهر: فرنگیس! فرنگیس!
زن: خفه شو بهمن، برو گمشو.
شوهر: تو رو خدا آرام باش. حالت خوبه؟
۳-۱۰. دلسوزانه: فیلم سینمایی *نیم‌رخ‌ها* (۱۳۹۵):
شوهر: خسته شدی ژاله؟
زن: معلومه پسر!
شوهر: کاش می‌تونستم کمکت کنم!
۴-۱۰. حمایتی: فیلم سینمایی *کروکدیل* (۱۳۹۶):
شوهر: ببینم آذر، اصلاً می‌خوای یه خونه مستقل برات بگیرم راحت بشی؟
زن: الکی!
شوهر: نه به خدا. جدی می‌گم.
۵-۱۰. منت‌کشی: فیلم سینمایی *رگ خواب* (۱۳۹۵):
شوهر: مینا جون، ساندویچ بخور.
زن: (پاسخ نمی‌دهد، گریه می‌کند).
شوهر: مینا جون، معذرت می‌خوام.
زن: می‌گم دندونم درد می‌کنه، من رو اذیت می‌کنی.
شوهر: غلط کردم. ببخشید. به خدا داشتم باهات شوخی می‌کردم. بمیرم! راست می‌گی، دندونت درد می‌کنه. مینا جون، من معذرت می‌خوام. ببخشید. من حماقت کردم. نفهمیدم. غلط کردم. خودم فردا می‌برمت دندونپزشکی. مگه من می‌ذارم تو درد بکشی!
۶-۱۰. اطمینان‌دهنده: فیلم سینمایی *ما همه گناهکاریم* (۱۳۹۸):
زن: سرطان یعنی چی؟ بدخیم یعنی چی فرهاد؟
شوهر: تو آرام باش همه‌چیز درست می‌شه.
زن: چی درست می‌شه؟
۷-۱۰. پشیمان: فیلم سینمایی *جشن دل‌تنگی* (۱۳۹۶):

زن: آرزوت اینه از راه‌آهن تا تجریش رو پیاده بری؟
مرد: آقا ما بگیم شکر خوردیم، تو قبول می‌کنی؟
زن: اوهوم خوبه.

۸-۱۰. عاجزانه: فیلم سینمایی روسی (۱۳۹۶):

شوهر: مرجان من یک حیوونم. تو که می‌دونی چقدر دوستت دارم. من یه آدم دیگه می‌شم.
من بدون تو نمی‌تونم زندگی کنم.

زن: ولم کن کثافت. ازت بدم می‌آد. ازت بدم می‌آد.

۹-۱۰. مؤدبانه: فیلم سینمایی کلوب همسران (۱۳۹۷):

زن: این چیه درست کردی؟

شوهر: ماکارونیه دیگه!

زن: من این آشغال رو نمی‌خورم. پیتزا سبزیجات می‌خورم.
شوهر: آخه پیتزا عزیز من پنیر داره، برا رژیم شما خوب نیست.

۱۰-۱۰. امیدوارانه: فیلم سینمایی هستی (۱۳۹۷):

زن: فکر کردم جواهرات برام خریدی.

شوهر: جواهرات؟

زن: حرفم خنده داره که می‌خندی؟

شوهر: نه خنده نداشت. ولی خب ایشالله پولدار شدم اونم برات می‌گیرم.

در این بخش در جدول ۴ لحن‌های به‌کاررفته در زبانهنگ «زن‌سالاری» در فیلم‌های ایرانی دهه ۱۳۹۰ نمایش داده می‌شود.

جدول ۴. لحن‌های زبانهنگ «زن‌سالاری» در فیلم‌های سینمایی دهه ۱۳۹۰

عصبانی	اطمینان‌دهنده
نگران	منت‌کشی
دلسوزانه	پشیمان
حمایتی	عاجزانه
امیدوارانه	مؤدبانه

۱۱. ابزار

همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، در پژوهش پیش‌رو همه نمونه‌های جمله‌ها از بافت گفتاری- که همان گفت‌وگوهای برگرفته از مکالمات ردوبدل شده در فیلم‌های سینمایی ایرانی دهه ۱۳۶۰ و دهه ۱۳۹۰ هستند- جمع‌آوری شده است. زبان به‌کاررفته در این گفت‌وگوها در فیلم‌های هر دو دهه زبان فارسی بوده و گویش به‌کاررفته گویش رایج مردم است که به‌طور عام در رسانه نمایش داده می‌شود.

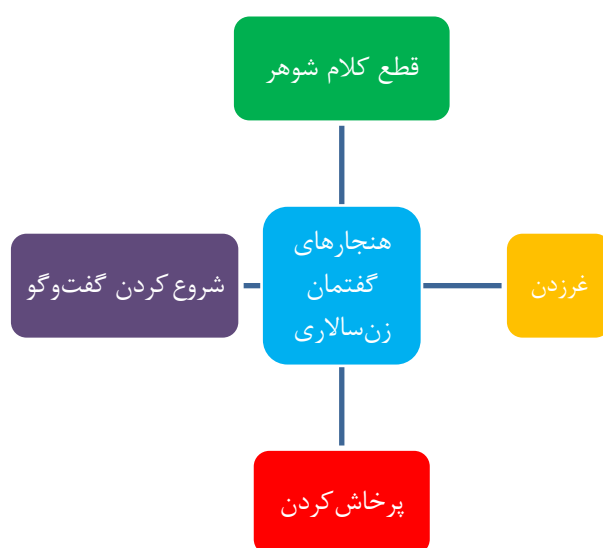
۱۲. **هنجارهای گفتمان:** همان گونه که انتظار می‌رود، در دهه ۱۳۶۰ تفکر مردسالاری در جامعه ایرانی حاکم بوده و این نگرش در فیلم‌های آن دهه نیز به وضوح مشاهده می‌شود. با بررسی فیلم‌های دهه ۱۳۶۰ درمی‌یابیم که موقعیت‌های کاربرد عواملی مانند نوبت‌گیری، قطع کردن گفت‌وگوی طرف مقابل، صحبت کردن با صدای بلند، شروع کننده مکالمه بودن، مردسالاری، قدرت‌گرایی و مواردی از این قبیل، که بیانگر هنجارهای گفتمان‌اند، بیشتر برای مردان فراهم است و این مردان‌اند که در این گونه موارد در گفت‌وگوهای خود قدرت انتخاب بالاتری نسبت به زنان دارند و زنان بیشتر به سکوت محکوم بودند و در مقابل پرخاش‌های شوهرشان عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دادند و عموماً تسلیم خواسته شوهر می‌شدند. این‌ها نمونه‌هایی از فرهنگ بارز آن دهه است که از طریق واکاوی زبانهنگ مردسالاری می‌توان نمایان‌شان کرد. تصویر شماره ۱ نشان‌دهنده این هنجارهای گفتمان است.



تصویر ۱. هنجارهای گفتمان زبانهنگ «مردسالاری»

۱۳. **هنجارهای گفتمان:** واکاوی موشکافانه زبانهنگ «مردسالاری» و «زن‌سالاری» در بستر فیلم‌های ایرانی دهه ۱۳۹۰ حاکی از آن است که در موقعیت‌های مختلف، بیشترین زبانهنگ به کاررفته از سوی گویشوران زبانهنگ «زن‌سالاری» است. همان‌طور که انتظار می‌رود، به دلیل تحولات مختلف فرهنگی و اجتماعی و گسترده شدن ارتباطات به دلیل پیشرفت فناوری، در دهه ۱۳۹۰ تفکر مردسالاری در جامعه ایرانی نسبت به دهه ۱۳۶۰ بسیار کم‌رنگ‌تر شده و در واقع این تفکر زن‌سالاری است که در جامعه حکم‌فرماست. از آنجا که فیلم یکی از ملموس‌ترین روش‌های بازتاب‌دهنده نگرش و طرز تفکر افراد جامعه است، این نگرش را می‌توان به وضوح در فیلم‌های ایرانی دهه ۱۳۹۰ مشاهده کرد. درحقیقت، با بررسی فیلم‌های دهه ۱۳۹۰

درمی‌یابیم که موقعیت‌های به‌کاربردن مواردی همچون نوبت‌گیری، قطع کردن گفت‌وگوی طرف مقابل، صحبت کردن با صدای بلند، غرزدن، شروع‌کننده مکالمه بودن و مواردی از این قبیل که بیانگر هنجارهای گفتمان‌اند، بیشتر برای زنان فراهم است و این زنان هستند که در این موارد در گفت‌وگوهای خود قدرت انتخاب بالاتری نسبت به مردان دارند؛ مردان، بیشتر در مقابل همسران خود سکوت می‌کردند و در مقابل عصبانیت همسرانشان عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دادند و عموماً تسلیم خواسته همسر می‌شدند. تصویر ۲ هنجارهای گفتمان «زن‌سالاری» را نشان می‌دهد.



تصویر ۲. هنجارهای گفتمان زیاهنگ «زن‌سالاری»

۱۴. نوع گفتمان: همان‌گونه که پیش از این بیان شد، پژوهش حاضر به واکاوی فیلم‌های سینمایی ایرانی دو دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۹۰ و مقایسه این دو دهه از نظر واکاوی زیاهنگ «مردسالاری» و «زن‌سالاری» می‌پردازد. طبیعتاً در بستر فیلم سینمایی، گفتمان از نوع شنیداری خواهد بود. از میان انواع گفتمان‌های فیلم‌های سینمایی که شامل نوع اکشن، طنز، وحشت، خانوادگی، اجتماعی، جنگی و غیره است، در پژوهش حاضر، نوع گفتمان خانوادگی و اجتماعی بررسی شده است تا در بررسی و مقایسه زیاهنگ‌های «مردسالاری» و «زن‌سالاری» به داده‌هایی یکپارچه از نظر نوع گفتمان دست یابیم.

نتیجه گیری

همان گونه که پیش تر ذکر شد، پژوهش حاضر با هدف بررسی زیاهنگ «مردسالاری» و «زن سالاری» و مقایسه این دو زیاهنگ در دو دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۹۰ و درحقیقت سیر تحول فرهنگی با استفاده از الگوی هایمز [۳۹] انجام شده است. به منظور دستیابی به این هدف، ابتدا به تشریح الگوی هایمز و هشت بخش تشکیل دهنده آن پرداختیم و با استفاده از الگوی SPEAKING هایمز [۳۹] به بررسی فیلم های ایرانی دهه ۱۳۶۰ و دهه ۱۳۹۰ پرداختیم و آن ها را از منظر زیاهنگ مردسالاری و زن سالاری بررسی کردیم. آن گاه کاربردهای زیاهنگ «مردسالاری» را برای فیلم های دهه ۱۳۶۰ و کاربردهای زیاهنگ «زن سالاری» را برای فیلم های دهه ۱۳۹۰ برشمردیم. با بررسی زیاهنگ مردسالاری و قرار دادن آن در الگوی هایمز، مشخص شد که بیشترین بسامد زیاهنگ مردسالاری در فیلم های دهه ۱۳۶۰ به موارد تهدید کردن، بزرگ بینی و فخر فروشی، عصبانیت، دستوردادن، متلک گویی، امر ونهی، پرخاش و زورگویی اختصاص یافته است، درحالی که بیشترین بسامد زیاهنگ «زن سالاری» در فیلم های دهه ۱۳۹۰ شامل تعیین تکلیف کردن، غرزدن، تحقیر کردن، کنایه زدن، جلب توجه کردن، عصبانیت، شکایت کردن، بزرگ بینی و بی محلی کردن است. یافته های پژوهش پیش رو حاکی از آن است که لحن های متعددی می تواند نشان دهنده مردسالاری باشند که در فیلم های دهه ۱۳۶۰ شامل لحن نفرین آمیز، تهدید آمیز، آمرانه و تحکمی، متکبرانه، اعتراض آمیز، گلایه آمیز و اغراق آمیز است. لحن های زن سالاری دهه ۱۳۹۰ شامل عصبانی، نگران، دلسوزانه، حمایتی، عاجزانه، منت کشی ملتسمانه، اطمینان دهنده، پشیمان، مؤدبانه و تهدید آمیز است.

در پایان، مجموعه ای از کاربردهای این زیاهنگ با عنوان هنجارهای گفتمان در پیکره فیلم های ایرانی در دو دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۹۰ مشخص شد. با توجه به داده ها و واکاوی آن ها به نظر می رسد که زیاهنگ «مردسالاری» در دو دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۹۰ به مرور زمان در فرهنگ ایرانی کم رنگ تر شده و رفته رفته جای خود را از نظر قدرت در گفتمان به زیاهنگ «زن سالاری» داده است. لحن هایی که در مکالمات دهه ۱۳۶۰ میان افراد، به خصوص زوجها، اتفاق می افتاد جنبه تحکمی و قدرت مردانه بالاتری نسبت به دهه ۱۳۹۰ نشان می دادند. زنان در نقش مادران مهم ترین تأثیر را در شکل گیری میزان موفقیت فرزندان دارند و می توان گفت موفقیت فرزندان به راحتی به وسیله میزان سرمایه اجتماعی والدین آن ها سنجیده می شود. بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر سرمایه اجتماعی و مشارکت مدنی زنان می تواند ضمن شناخت کم و کیف فعالیت های مدنی زنان در آشکار ساختن موقعیتشان در جامعه و نقش آن ها در فرایند توسعه کشور و مسیر آنان را در مقابله صحیح و خردمندانه با تبعیض و نابرابری های جنسیتی مشخص کند [۲۲]. در جامعه کنونی این گونه به نظر می رسد که از زن سالاری به سمت کودک سالاری پیش می رویم و تسلط کودکان به والدین رفته رفته بیشتر از

قبل مشاهده می‌شود. با در نظر گرفتن این مطلب که فیلم‌ها به‌مثابه یکی از داشته‌های فرهنگی ملموس بیانگر تفکرات و نگرش‌های افراد جامعه هستند و در گذر زمان می‌توان به سیر تاریخی تغییر نگرش افراد هر جامعه نسبت به موضوعی خاص از خلال واکاوی فیلم‌ها پرداخت و با توجه به توان بالای مقوله رسانه و امکان کار بیشتر روی آن، شایسته است پژوهش‌های دیگری در سایر زمینه‌های مرتبط با آن صورت پذیرد؛ از آن جمله، بررسی زبانهنگ «فریاد» و تفاوت‌های کاربرد آن به لحاظ جنسیتی در فیلم‌های ایرانی و مقایسه آن با فیلم‌های انگلیسی. همچنین می‌توان به بررسی فیلم‌های طنز در گذر زمان و مقایسه آن از نظر استفاده زبانهنگ «فحش»- که متأسفانه به‌تازگی به‌وفور در برنامه‌های طنز مشاهده می‌شود و تأثیر نامطلوب آن را می‌توان بر فرهنگ خانواده‌های ایرانی و به‌خصوص کودکان خانواده دید- پرداخت. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، هایمز فقط به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی پرداخته و در مطالعات فرهنگی خود موضوعات روان‌شناختی را لحاظ نکرده است. به‌نظر می‌رسد با افزودن بُعد روان‌شناختی بتوان به تصویر دقیق‌تری درباره تفکرات و دیدگاه‌های فرهنگی افراد هر جامعه دست یافت. در واقع، در بررسی فرهنگ هر جامعه، ویژگی‌های روان‌شناختی مکمل ویژگی‌های جامعه‌شناختی آن است. درحقیقت، نقش هیجانان در سطح آگاهانه و ناآگاهانه در روابط اجتماعی انکارنشده [۱۸] است. از این‌رو، می‌توان با استفاده از الگوی ویرایش‌شده هایمز [۳۹]، که مدل SPEAKING است، به بررسی انواع زبانهنگ‌ها پرداخت و با افزودن بُعد هیجان به آن‌ها به‌طور دقیق‌تری آن‌ها را واکاوی کرد [۴]. همچنین، با واکاوی زبانهنگ‌ها در پرتو منظورشناسی متغیر^۱ می‌توان تفاوت‌های جنسی، سنی، اجتماعی، فرهنگی، منطقه‌ای، مذهبی و غیره را بررسی کرد [۴]. اما واکاوی زبانهنگ‌ها و تحلیل شکل‌گیری این عادت‌ها، رفتارها و زبانهنگ‌های خاص هر منطقه مستلزم الگویی کامل است تا بتوان در پرتو آن الگوهای فرهنگی، الگوی هیجامد (میزان مواجهه، درگیری حسی نسبت به عبارات و نوع هیجان تولیدشده)، الگوی SPEAKING و ریشه‌های ژنتیکی و عوامل محیطی را لحاظ کرد. بنابراین، امید است پژوهش‌های آتی با بهره‌گیری از مدل جامع پیش‌قدم، ابراهیمی و درخشان [۴۸] تصویر دقیقی از زبانهنگ‌های آن جامعه ارائه دهند.

قدردانی: این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی به شماره ۹۹۱۹۷۲ است که از سوی دانشگاه گلستان حمایت می‌شود.

منابع

[۱] ابراهیمی، شیما؛ پیش‌قدم، رضا (در حال چاپ). معرفی زبانهنگ: مطالعه‌ای بر ژن‌های فرهنگی / *ایرانیان*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

- [۲] اردستانی رستمی، حمیدرضا (۱۳۹۳). «اسطوره زادن زروان؛ گذار از زن سروری به مردسالاری و انعکاس آن در شاهنامه»، شعرپژوهی، دوره اول، ش ۶.
- [۳] پیش قدم، رضا (۱۳۹۱). «معرفی 'زبانگ' به عنوان ابزاری تحول‌گرا در فرهنگ‌کاوی زبان»، *مطالعات زبان و ترجمه*، ش ۴.
- [۴] پیش قدم، رضا؛ ابراهیمی، شیما؛ درخشان، علی (در حال چاپ). «معرفی 'زباهیجان' به عنوان حلقه مفقوده قوم‌نگاری ارتباط: مکمل الگوی SPEAKING هایمز»، *جستارهای زبانی*.
- [۵] پیش قدم، رضا؛ عطاران، آتنا (۱۳۹۲). «نگاهی جامعه‌شناختی به کنش گفتاری قسم: مقایسه زبان‌های فارسی و انگلیسی»، *مطالعات زبان و ترجمه*، ش ۴۶.
- [۶] پیش قدم، رضا؛ فیروزیان پور اصفهانی، آیدا (۱۳۹۶). «تأملی جامعه‌شناختی پیرامون کاربردهای گفتاری 'نمی‌دانم' در زبان فارسی در پرتو الگوی هایمز»، *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، ش ۱۸.
- [۷] پیش قدم، رضا؛ آیدا فیروزیان پور اصفهانی؛ طباطبایی فارانی، سحر (۱۳۹۶). «واکاوی عبارت 'نازکردن' و ترکیب‌های حاصل از آن در زبان فارسی در پرتو الگوی هنجامد»، *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، دوره ۳۹، ش ۱۸.
- [۸] پیش قدم، رضا؛ نوروز کرمانشاهی، پریا (۱۳۹۴). «ارتباط میان زبان، مذهب و فرهنگ: تحقیق و تدقیق در کارکردهای لقب حاجی و واژه‌های وابسته در زبان فارسی»، *زبان‌پژوهی*، دوره ۲۰، ش ۸.
- [۹] پیش قدم، رضا؛ وحیدنیا، فاطمه (۱۳۹۴). «کاربردهای 'دعا' در فیلم‌های فارسی و انگلیسی در پرتو الگوی هایمز»، *جستارهای زبانی*، ش ۷.
- [۱۰] حسینی، سیدمجید (۱۳۹۱). «فیلم، معنا و تحول در فرهنگ سیاسی»، *سیاست*، دوره ۲۰، ش ۱.
- [۱۱] درخشان، علی (۲۰۱۸). «تحلیل و نقد ارزش‌های فرهنگی در مجموعه کتاب‌های درسی American English File»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، دوره ۸، ش ۱۸.
- [۱۲] ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲). *فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی*، تهران: علم.
- [۱۳] رحمانی، حسین (۱۳۹۷). «تأثیر قدرت و جنسیت بر بی‌ادبی و شیوه برخورد با آن در نمایش‌نامه افول اثر اکبر رادی»، *زبان‌شناسی اجتماعی*، ش ۲.
- [۱۴] سعادت‌نژاد، زهرا؛ فارسیان، محمدرضا (۱۳۹۸). «تقویت توانش بینا فرهنگی از خلال متون ادبی و راهبردهای آموزش آن در زبان فرانسه»، *جستارهای زبانی*، دوره ۱۰، ش ۶.
- [۱۵] شریفی، شلیر ابراهیم؛ ولی‌پور، علیرضا (۱۳۹۸). «بررسی تداخل زبانی - فرهنگی در کاربرد پایدارهای مقایسه‌ای»، *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*، دوره اول، ش ۹.
- [۱۶] قوامی، مینا (۱۳۸۷). «بررسی مؤلفه جنسیت در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- [۱۷] کریمی فیروزجایی، علی؛ جمشیدی، فاطمه (۱۳۹۸). «بازنمایی گفتمان جنسیت در فیلم‌های سینمایی مطالعه موردی: فیلم سینمایی رگ خواب»، *زبان‌شناسی اجتماعی*، ش ۳.
- [۱۸] گرینبرگ، ل. (۱۳۹۷). *مربیکری در درمان هیجان‌مدار*، ترجمه محمدآرش رضانی و زینب باقری، تهران: روان.
- [۱۹] مرادی، روزبه (۱۳۹۶). «مروری بر پژوهش‌های زبان‌شناسی جنسیت»، *هنر زبان*، دوره ۲، ش ۲.

- [۲۰] محمدی‌مهر، غلامرضا؛ بیچرانلو، عبدالله (۱۳۹۳). «بازنمایی فرهنگ ایران در فیلم‌های ایرانی تحسین‌شده در جشنواره بین‌المللی»، دوره ۱۵، ش ۲۶.
- [۲۱] معززی‌نیا، حسین (۱۳۸۸). *سینما - جشنواره*، تهران: سروش.
- [۲۲] مقرب، فاطمه؛ صائب‌نیا، سمیه (۱۳۹۷). «نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی بر سرمایه اجتماعی در بین زنان شهرستان گرمی»، *رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری*، دوره ۲، ش ۷.
- [۲۳] منوچهر؛ نقی‌زاده، محمد؛ صفردوست، عاطیه؛ محمد روضه‌سرا، مریم (۱۳۹۴). «نقش فرهنگ سازمانی بر اثربخشی پروژه‌های انتقال فناوری در ایران»، *مدیریت توسعه فناوری*، دوره ۲، ش ۳.
- [۲۴] مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۷). *رسانه‌ها و بازنمایی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- [۲۵] وود، جولیاتا (۱۳۸۳). «ویژگی‌های ساختاری زبان و جایگاه زنان در جامعه»، ترجمه ابراهیم احراری، *پژوهش و سنجش*، س ۱۱، ش ۳۸.
- [26] Agar, M. (1994). *Language Shock. Understanding the Culture of Conversation*, New York: NY: William Morrow.
- [27] Benstead, L. J. (2020). "Conceptualizing and Measuring Patriarchy: The Importance of Feminist Theory", *Mediterranean Politics*, PP 1-13.
- [28] Bonvillain, N. (2019). *Language, Culture, and Communication: The Meaning of Messages*, Rowman & Littlefield.
- [29] Brooks, M. D. (2019). "Language, Culture, and the Education of Indigenous Children: An Interview with Mary Eunice Romero-Little", *Language Arts*, no. 96(4), PP 224-228.
- [30] Byram, M. (2012). "Language Awareness and (Critical) Cultural Awareness—Relationships, Comparisons and Contrasts", *Language Awareness*, no. 21(1-2), PP 5-13.
- [31] Crozet, C. & Liddicoat, A. J. (2000). "Teaching Culture as an Integrated Part of Language: Implications for the Aims, Approaches and Pedagogies of Language Teaching". A.J. Liddicoat & C. Crozet (Eds.), *Teaching Language, Teaching Cultures* (pp 1-18), Applied Linguistics Association of Australia, Melbourne: Language Australia.
- [32] Ervin-Tripp, S. (1972). Is Sybil There? The Structure of American English Directives. *Language in Society*, no. 5(1), PP 22-66.
- [33] Goode, T., Sockalingam, S., Brown, M., & Jones, W. (2000). *A planner's guide—infusing principles, content and themes related to cultural and linguistic competence into meetings and conferences*, National Center for Cultural Competence, Georgetown University.
- [34] Grieve, R., March, E., & Van Doorn, G. (2019). "Masculinity Might be More Toxic than We Think: The Influence of Gender Roles on Trait Emotional Manipulation", *Personality and Individual Differences*, 138, PP 157-162.
- [35] Halliday, M. A. K. (1978). *Language as Social Semiotic: The Social Interpretation of Language and Meaning*, Hodder Arnold.

- [36] Hofstede, G. (1983). National Cultures Revisited. *Behavior Science Research*, 18(4), PP 285_305.
- [37] Hofstede, G. (1997). *Cultures and Organizations, Software of the Mind*, New York: McGraw Hill.
- [38] Hofstede, G. (2011). "Dimensionalizing Cultures: The Hofstede Model in Context", *Online Readings in Psychology and Culture*, 2(1), PP 882_896.
- [39] Hofstede, G. & Minkov, M. (2010). *Cultures and Organizations: Software of the Mind*, New York: NY: McGraw.
- [40] Hymes, D. (1967). "Models of the Interaction of Language and Social Setting", *Journal of Social Issues*, no. 23(2), PP 8_28.
- [41] Hymes, D. (1972). "Models of the Interaction of Language and Social Life", In *Directions in Sociolinguistics: The Ethnography of Communication*. Eds. Gumperz, J. & D. Hymes, New York: Holt, Rinehart, & Winston, PP 1_25.
- [42] Hymes, D. (1974). *Foundations of Sociolinguistics: Ethnography of Speaking*, Philadelphia: University of Pennsylvania.
- [43] Koch, K. and Manzella, P. (2019). "Introduction: The Language and Culture Perspective in Employee Relations", In *International Comparative Employee Relations*, Edward Elgar Publishing.
- [44] Lakoff, R. (1975). *Language and Women's Place*, New York: Harper & Row.
- [45] Mak, B. C. N. (2019). "Language and Culture at Work", PP 217_220.
- [46] Michelson, K. (2019). "Global Simulation as a Mediating Tool for Teaching and Learning Language and Culture as Discourse", *Foreign Language Annals*, 52(2), PP 284_313.
- [47] Minkov, M. (2007). *What Makes Us Different and Similar: A new Interpretation of the World Values Survey and Other Cross-Cultural Data*. Sofia, Bulgaria: Klasika i Stil.
- [48] Munira, S., Hossain, A., & Nessa, M. (2020). "The Perception of Using Language in Gender Disparity: A Study on Tertiary Level Students", *Asian Journal of Social Science Studies*, 5(1), p 1.
- [49] Pishghadam, R., Ebrahimi, S., & Derakhshan, A. (in press b). "Cultuling analysis: A New Methodology for Discovering Cultural Memes". *International Journal of Society, Culture and Language*.
- [50] Pishghadam, R., Ebrahimi, S., Naji Meidani, E., & Derakhshan, A. (in press). An Introduction to "Cultuling" Analysis (CLA) in Light of Variational Pragmatics: A Step towards "Euculturing", *Research in Applied Linguistics*.
- [51] Risager, K. (2011). "The Cultural Dimensions of Language Teaching and Learning", *Language Teaching*, no. 44(4), PP 485_499.
- [52] Risager, K. (2012). "Linguaculture and Transnationality: The Cultural Dimensions of Language", *The Routledge Handbook of Language and Intercultural Communication* : Routledge, PP 117_131
- [53] Sapir, E. & B. Whorf (1956). *Language, Thought, and Reality*. Cambridge, MA: MIT Press.
- [54] Sharifian, F. & Palmer, G. B. (Eds.). (2007). "Applied cultural linguistics: Implications for Second Language learning and Intercultural Communication". (Vol. 7). *John Benjamins Publishing*.

- [55] Smith, D. G., Rosenstein, J. E., Nikolov, M. C., & Chaney, D. A. (2019). "The Power of Language: Gender, Status, and Agency in Performance Evaluations", *Sex Roles*, 80(3-4), PP 159-171.
- [56] Spender, D. (1980). *Man Made Language*. London: Routledge & Kegan Paul.
- [57] Thorne, B. and Henely, N. (1975). *Language and Sex: Difference and Dominance*. Rowley: Newbury House.
- [58] Vygotsky, L. (1978). "Interaction Between Learning and Development", *Readings on the Development of Children*, no. 23(3), PP 34-41.
- [59] Vygotsky, L. (1986). *Thought and Language*, Cambridge: MA: MIT Pre.
- [60] Wardhaugh, R. (2010). *An Introduction to Sociolinguistics*, Oxford: UK: Wiley-Blackwell.